

حکیم باهنر از طعن آنحریف ظریف  
 بگفت اینهمه دانم ولیک بخت نیست  
 که گر زاطلسگر دون قصب کند بد بخت  
 چو برسی از حسب بختیار و ز نسبش  
 غریق بحر الم شد حریق نار غضب  
 چو بخت نیست فزونی ز معرفت مطلب  
 ز ماهتاب در افتد شراره اش قصب  
 که آسمان حسیش گشت و آفتاب نسب

## ☆ (ابو العلاء المعری) ☆

بقام ع . خاوری معلم ادبیات کالج اصفهان

(۲)

بقیه از شماره ۴

شده و استغفار نموده . در این مورد توبه  
 و انا به منصلی آغاز نمود و با قدرت بیان مخصوصی  
 خویش سعی کرد ، تا برای کلمات و بیانات خود  
 وجوه متعدده و تعابیر متکثره فرض و تأویل  
 کند . انقدر منطق و استدلال در تعبیر قیافه  
 های سخنانش بکار برد ، که مخالفینش را  
 متقاعد با ایمان خود ساخت . لکن از اشعار  
 کفرآمیز و بیانات فلسفی او در آنجا ، چیزی  
 در دست نمانده است .

«مرجلیوت» در این خبر شك کرده و  
 معتقد است که در مدت توقف ابو العلاء در  
 «لاذقیه» ، ارتباطات ادبی و علمی بین او و  
 علماء یهودی و مسیحی زیاد گشت ، و پیش از  
 از آنکه از آنجا رحلت یغداد کند ، توانست  
 مطالعاتی در مبادی مسیحیت و کلیسایت نموده و  
 بر اثر اختیار کامل در اساس دیانات ایشان ،  
 موارد نقض و خلاف آنها را یافته و بمناقشه  
 و احتجاج با مصادر مذهبی ادیان مذکوره پردازد  
 چه بسا این امر در «افلاکیه» و «رومیه الصغری»  
 بوقوع پیوست . زیرا ابو العلاء قطعاً مناقضات  
 و محاضراتی بامسیحیون و یهودیان داشته است .

کشیش دیر مذکور بتدریس فلسفه اشتغال  
 داشت و محضرش منتهی از اصحاب معرفت و  
 دانش گشته و علوم اوائل و کلام در مدرسه  
 آن دیره مورد بحث و مطالعه می بود .  
 ابو العلاء بحکم سابقه معرفت طبیعی  
 و دانش دوستی ، در محضر درس کشیش حضور  
 می یافت ، و شکوک و ظنیات خویش را در اصول  
 دیانت مطرح بحث قرار داده و مبادی ادبانی  
 که بنظرش ست و خالی از فلسفه می بودند  
 در حضور اصحاب حکمت آن دیره ، بعارض  
 مطالعه می گذارد . توقف ابو العلاء در دیره  
 رهبانان بطول انجامیده و هر روز مشغلی برانوار  
 معرفت ایشان می افزود . تا آنکه بیانش در  
 آن مباحثات بی پروا و خالی از نظائر شده  
 و بر ملاء نظریات فلسفی خویش را بیان می نمود  
 ولی اذهان خالی که حاضر برای درک این  
 عوالم نبوده و چشم خردشان تاب دیدار این  
 حقایق را نداشت ، شروع به نمایی نموده  
 و تا آنجا که میتوانستند سعایت نمودند . ابو العلاء  
 رقیبال حملات مخالفین خویش شاید مستأصل

يك مناظره دینی شده است . از یکطرف اهل آن دیار ، تورات و انجیل می خوانندند . و از طرف دیگر رهبانان و تارکان انجا ، آراء فلسفی ایراد میکردند .

خلاصه ابوالعلاء بطرابلس رسید و در کتابخانه انجا بساط اقامت گسترد . و الهلال ، مجله مفید و متنوع مصری می گوید : درطرابلس کتابخانه بود که مردم بسیار ، از آنجا وقف نموده بودند . و میلیونها کتاب در انجا تمرکز یافته بود بنا بر این ، توقف ابوالعلاء در آنجا و مطالعه در کتب کتابخانه مزبوره ، وی را بانجائی که ممکن بود رسانیده و دائره اطلاعش را وسیع تر از آنچه بصورت آید توسعه بخشود . پس از مدتی ابوالعلاء مجدداً ، بمعرفه العمان ، عودت کرد .

خود ابوالعلاء ، در بعضی از رسائل خود مدعی است که پس از گذشتن از سن ۲۰ سالگی دیگر احتیاج باخذ علوم از احدی در شام و عراق نداشت . این دعوی در کمال صداقت ایراد شده و چون او درباره خودش بیان میکند ، قطعاً مبتنی بر اساس راستی میباشد . چه يك جوان هوشیار و فطنی که قوت قریحه نیز او را تأیید کند ، بخوبی قادر میباشد که در بیستین مرحله از عمرش جامع علوم متداوله و رایجه در مجامع مسلمین از روز شده و فارغ التحصیل در شهر خویش و سائر حوزه های علمی روم و غیره نیز گردد . منحصراً پایتکه قدرت حافظه و استعداد عجیب این نابغه عرب مافوق تصدیق بوده و همین خود عامل بسیار مهمی است که او را در سن بیست سالگی فارغ از طلب علم و مستغنی از تدریس و تعلم بسازد .

و از انجائیکه مرکزیت ، انطاکیه ، برای اجرای این مقصود ، صالح تراز ، لاذقیه ، بوده است احتمال آنکه این قضایا در انجا واقع شده باشد ، اقرب بنظر و منطبق تاریخ میباشد . دانشمند مصری ، الاستاذ طه حسین ، بدو نظر وقوع احتجاج بین ابوالعلاء و اذیان مرسومه را ، در لاذقیه ، ترجیح میدهد . یکی از آنها روایت چند تن مورخ موثوق میباشد و دیگری دویت معروفی است که در معجم البلدان ، یاقوت ، از ابوالعلاء نقل کرده و در ضمن اقامه بیان در اطراف لاذقیه ، ذکر میکند . یاقوت ، ابوالعلاء ، را بنام « ملحد » یاد می آورد . و این خود دلیل بر اساس نظر نویسندگان عرب نسبت بوی میتواند باشد .

دویت معروف این است :-

فی اللاذقیة فتة ما بین احمد و المسيح

قس یعالج دلبة و الشیخ من خفق یصحیح

« یاقوت ، بنقل همین دویت اکتفا کرده است ولی نویسندگان و مورخین غیر از وی فرد ذیل را بر آن علاوه می نمایند :-

کل یعزز دینه

یالیت شعری ما الصحیح

مفهوم این ۳ بیت شعر ، وقوع مناقشه در دیر لاذقیه و کوشش کشیش برای اصلاح سياهکاری خود با عصبانیت شیخ میباشد ، که در خانه آن اشعاری باستفزاز ناطم ایات گفته است ، بهر حال اگر روایت « یاقوت » صحیح بوده و انشاد این ایات در لاذقیه ، و یا در اطراف ماجرای انجا است ، باید گفت اساس نظر قطعی ، و ذهنی ، صحیح میباشد . قطعاً ابوالعلاء در موقع ورود به لاذقیه ، دچار